اتخاذ شده باشد.

فصل ششم ـ در سهم‌الارث طبقات مختلفه وراث ـ ششم

فصل ششم ـ در سهم‌الارث طبقات مختلفه وراث

مبحث اول ـ در سهم‌الارث طبقه اولی

ماده 906

ماده 906 ـ اگر برای متوفی اولاد یا اولادِ اولاد از هر درجه که باشند موجود نباشد هر یک از اَبَوین در صورت انفراد تمام ارث را میبرد و اگر پدر و مادر میّت هر دو زنده باشند مادر یک ثلث و پدر دو ثلث میبرد لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد سُدُس از ترکه متعلق بمادر و بقیه مال پدر است.

ماده 907

ماده 907 ـ اگر متوفی اَبَوین نداشته و یک یا چند نفر اولاد داشته باشد ترکه بطریق ذیل تقسیم میشود:

اگر فرزند منحصر بیکی باشد خواه پسر خواه دختر تمام ترکه باو میرسد.

اگر اولاد متعدد باشند، ولی تمام پسر یا تمام دختر، ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم میشود.

اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آن‌ها پسر و بعضی دختر پسر دو برابر دختر میبرد.

ماده 908

ماده 908 ـ هر گاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو اَبَوین او موجود باشند با یکدختر فرض هر یک از پدر و مادر سدس ترکه و فرض دختر نصف آن خواهد بود و مابقی باید بین تمام ورّاث به نسبت فرض آن‌ها تقسیم شود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد که در این صورت مادر از مابقی چیزی نمیبرد.

ماده 909

ماده 909 ـ هر گاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو اَبَوین او موجود باشند یا چند دختر فرض تمام دخترها دو ثلث ترکه خواهد بود که بالسویه بین آن‌ها تقسیم میشود و فرض هر یک از پدر و مادر یک سُدس و مابقی اگر باشد بین تمام ورثه به نسبت فرض آن‌ها تقسیم میشود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد در این صورت مادر از باقی چیزی نمیبرد.

ماده 910

ماده 910 ـ هر گاه میّت اولاد داشته باشد گرچه یکنفر، اولادِ اولادِ او ارث نمیبرند.

ماده 911

ماده 911 ـ هر گاه میّت اولادی بلاواسطه نداشته باشد اولادِ اولادِ او قائم مقام اولاد بوده و بدینطریق جزو ورّاث طبقه اول محسوب و با هر یک از اَبَوین که زنده باشد ارث میبرد.

تقسیم ارث بین اولادِ اولاد بر حسب نسل بعمل میآید یعنی هر نسل حِصه کسی را میبرد که بتوسط او بمیّت میرسد بنابر این اولاد پسر دو برابر اولاد دختر میبرند.

در تقسیم بین افراد یک نسل پسر دو برابر دختر میبرد.

ماده 912

ماده 912 ـ اولادِ اولاد تا هر چه که پائین بروند بطریق مذکور در ماده فوق ارث میبرند با رعایت اینکه اَقرب بمیّت اَبعد را محروم میکند.

ماده 913

ماده 913 ـ در تمام صور مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که زنده باشد فرض خود را میبرد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و رُبع آن برای زوجه در صورتیکه میّت اولاد یا اولادِ اولاد نداشته باشد و از ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتیکه میّت اولاد یا اولادِ اولاد داشته باشد و مابقی ترکه بر طبق مقررات مواد قبل مابین سایر وراث تقسیم میشود.

ماده 914

ماده 914 ـ اگر بواسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض ترکه میت کفایت نصیب تمام آن‌ها را نکند نقص بر بنت و بِنتَین وارد میشود و اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض زیادتی باشد و وارثی نباشد که زیاده را بعنوان قرابت ببرد این زیاده بین صاحبان فرض بر طبق مقررات مواد فوق تقسیم میشود لیکن زوج و زوجه مطلقاً و مادر اگر حاجب داشته باشد از زیادی چیزی نمیبرد.

ماده 915

ماده 915 ـ انگشتری که میّت معمولاً استعمال میکرده و همچنین قرآن و رخت‌های شخصی و شمشیر او به پسر بزرگ او میرسد بدون اینکه از حصه او از این حیث چیزی کسر شود مشروط بر اینکه ترکه میّت منحصر باین اموال نباشد.

مبحث دوم ـ در سهم‌الارث طبقه دوم

ماده 916

ماده 916 ـ هر گاه برای میّت وارث طبقه اولی نباشد ترکه او بوارث طبقه ثانیه میرسد.

ماده 917

ماده 917 ـ هر یک از ورّاث طبقه دوم اگر تنها باشد تمام ارث را میبرد و اگر متعدد باشند ترکه بین آن‌ها بر طبق مواد ذیل تقسیم میشود.

ماده 918

ماده 918 ـ اگر میّت اَخَوه اَبَوینی داشته باشد اخوه اَبی ارث نمیبرند در صورت نبودن اخوه ابوینی اَخَوه اَبی حصه ارث آن‌ها را میبرند.

اَخَوه اَبَوینی و اخوه ابی هیچکدام اخوه اُمّی را از ارث محروم نمیکنند.

ماده 919

ماده 919 ـ اگر وارث میت چند برادر ابوینی یا چند برادر ابی یا چند خواهر ابوینی و چند خواهر ابی باشند ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم میشود.

ماده 920

ماده 920 ـ اگر وارث میّت چند برادر و خواهر اَبَوینی یا چند برادر و خواهر اَبی باشند حِصّه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

ماده 921

ماده 921 ـ اگر ورّاث چند برادر اُمّی یا چند خواهر اُمّی یا چند برادر و خواهر اُمّی باشند ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم میشود.

ماده 922

ماده 922 ـ هر گاه اَخَوه اَبَوینی و اَخَوه اُمّی با هم باشند تقسیم بطریق ذیل میشود:

اگر برادر یا خواهر اُمّی یکی باشد سدس ترکه را میبرد و بقیه مال اَخَوه اَبَوینی یا اَبی است که بطریق مذکور در فوق تقسیم مینمایند.

اگر کلاله اُمی متعدد باشد ثلث ترکه بآن‌ها تعلق گرفته و بین خود بالسویه تقسیم میکنند و بقیه مال اَخَوه اَبَوینی یا اَبی است که مطابق مقررات مذکور در فوق تقسیم مینمایند.

ماده 923

ماده 923 ـ هر گاه ورثه اجداد یا جدّات باشد تَرکه بطریق ذیل تقسیم میشود:

اگر جدّ یا جدّه تنها باشد اعم از اَبی یا اُمّی تمام ترکه باو تعلق میگیرد.

اگر اجداد و جدّات متعدد باشند در صورتیکه اَبی باشند ذکور دو برابر اناث میبرد و اگر همه اُمّی باشند بین

آن‌ها بالسویه تقسیم میگردد.

اگر جدّ یا جدّه اَبی و جدّ یا جدّه اُمّی با هم باشند ثُلث ترکه بجدّ یا جدّه اُمّی میرسد و در صورت تعداد اجداد اُمّی آن ثلث بین آن‌ها بالسویه تقسیم میشود و دو ثلث دیگر بجَدّ یا جدّه اَبی میرسد و در صورت تعدّد حِصّه ذکور از آن دو ثلث دو برابر حصه اناث خواهد بود.

ماده 924

ماده 924 ـ هر گاه میّت اجداد و کلاله با هم داشته باشد دو ثلث ترکه بورّاثی میرسد که از طرف پدر قرابت دارند و در تقسیم آن حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود و یک ثلث بوراثی میرسد که از طرف مادر قرابت دارند و بین خود بالسویه تقسیم مینمایند لیکن اگر خویش مادری فقط یک برادر یا یک خواهر اُمّی باشد فقط سُدس ترکه باو تعلق خواهد گرفت.

ماده 925

ماده 925 ـ در تمام صور مذکوره در مواد فوق اگر برای میّت نه برادر باشد و نه خواهر، اولادِ اخوه قائم مقام آن‌ها شده و با اجداد ارث میبرند در این صورت تقسیم ارث نسبت به اولادِ اخوه بر حسب نسل بعمل میآید یعنی هر نسل حصه کسی را میبرد که بواسطه او بمیّت میرسد بنابراین اولاد اخوه اَبَوینی یا اَبی حصه اخوه اَبَوینی یا اَبی تنها و اولاد کلاله اُمّی حصه کلاله اُمّی را میبرند.

در تقسیم بین افراد یک نسل اگر اولاد اخوه اَبَوینی یا اَبی تنها باشند ذکور دو برابر اناث میبرد و اگر از کلاله اُمّی باشند بالسویه تقسیم میکنند.

ماده 926

ماده 926 ـ در صورت اجتماع کلاله اَبَوینی و اَبی و امّی، کلاله اَبی ارث نمیبرد.

ماده 927

ماده 927 ـ در تمام مواد مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه میبرد و این فرض عبارت است از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه.

متقرّبین بمادر هم اعم از اجداد یا کلاله فرض خود را از اصل ترکه میبرند.

هر گاه بواسطه ورود زوج یا زوجه نقصی موجود گردد نقص بر کلاله اَبَوینی یا اَبی یا بر اجداد اَبی وارد میشود.

مبحث سوم ـ در سهم‌الارث وارث طبقه سوم

ماده 928

ماده 928 ـ هر گاه برای میّت ورّاث طبقه دوم نباشد ترکه او بورّاث طبقه سوم میرسد.

ماده 929

ماده 929 ـ هر یک از ورّاث طبقه سوم اگر تنها باشد تمام ارث را میبرد و اگر متعدّد باشند ترکه بین آن‌ها بر طبق مواد ذیل تقسیم میشود.

ماده 930

ماده 930 ـ اگر میّت اعمام یا اخوال اَبَوینی داشته باشد اعمام یا اخوال اَبی ارث نمیبرند در صورت نبودن اعمام یا اخوال اَبَوینی اعمام یا اخوال اَبی حصه آن‌ها را میبرند.

ماده 931

ماده 931 ـ هر گاه وارث متوفی چند نفر عمو یا چند نفر عمه باشند ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم میشود در صورتیکه همه آن‌ها اَبَوینی یا همه اَبی یا همه اُمّی باشند.

هر گاه عمو و عمه با هم باشند در صورتیکه همه امّی باشند ترکه را بالسویه تقسیم مینمایند و در صورتیکه همه اَبَوینی یا اَبی حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

ماده 932

ماده 932 ـ در صورتیکه اعمام امّی و اعمام ابوینی یا ابی با هم باشند عمّ یا عمه امی اگر تنها باشند سدس

ترکه باو تعلق میگیرد و اگر متعدّد باشند ثلث ترکه و این ثلث را مابین خود بالسویه تقسیم میکنند و باقی ترکه به اعمام ابوینی یا اَبی میرسد که در تقسیم ذکور دو برابر اناث میبرد.

ماده 933

ماده 933 ـ هر گاه ورّاث متوفی چند نفر دائی یا چند نفر خاله یا چند نفر دائی و چند نفر خاله با هم باشند ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم میشود خواه همه اَبَوینی، خواه همه اَبی و خواه همه اُمّی باشند.

ماده 934

ماده 934 ـ اگر ورّاث میّت دائی و خاله اَبی یا اَبَوینی یا دائی و خاله اُمّی باشند، طرف اُمّی اگر یکی باشد سُدس ترکه را میبرد و اگر متعدّد باشند ثُلث آنرا میبرند و بین خود بالسویه تقسیم میکنند و مابقی مال دائی و خاله‌های اَبَوینی یا اَبی است که آن‌ها هم بین خود بالسویه تقسیم مینمایند.

ماده 935

ماده 935 ـ اگر برای میّت یک یا چند نفر اعمام یا یک یا چند نفر اَخوال باشد ثُلث ترکه باخوال دو ثُلث آن باعمام تعلق میگیرد.

تقسیم ثُلث بین اَخوال بالسویه بعمل میآید لیکن اگر بین اَخوال یکنفر اُمّی باشد سُدس حِصّه اخوال باو میرسد و اگر چند نفر امّی باشند ثلث آن حصّه بآن‌ها داده میشود و در صورت اخیر تقسیم بین آن‌ها بالسویه بعمل میآید.

در تقسیم دو ثُلث بین اعمام حصّه ذکور دو برابر اناث خواهد بود لیکن اگر بین اعمام یکنفر امّی باشد سُدس حصّه اعمام باو میرسد و اگر چند نفر امّی باشند ثلث آن حصه بآن‌ها میرسد ودر صورت اخیر آن ثلث را بالسویه تقسیم میکنند.

در تقسیم پنج سُدس و یا دو ثُلث که از حصّه اعمام باقی میماند بین اعمام اَبَوینی یا اَبی حصّه و ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

ماده 936

ماده 936 ـ با وجود اعمام یا اخوال اولاد آن‌ها ارث نمیبرند مگر در صورت انحصار وارث بیک پسر عموی ابوینی با یک عموی ابی تنها که فقط در این صورت پسر عمو، عمو را از ارث محروم میکند لیکن اگر با پسر عموی اَبَوینی خال یا خاله باشد یا اعمام متعدّد باشند ولو اَبی تنها پسر عمو ارث نمیبرد.

ماده 937

ماده 937 ـ هر گاه برای میّت نه اعمام باشد و نه اَخوالِ اولاد آن‌ها بجای آن‌ها ارث میبرند و نصیب هر نسل نصیب کسی خواهد بود که بواسطه او بمیّت متّصل میشود.

ماده 938

ماده 938 ـ در تمام موارد مزبوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه میبرد و این فرض عبارت است از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه.

متقرّب بمادر هم نصیب خود را از اصل ترکه میبرد باقی ترکه مال متقرّب بپدر است و اگر نقصی هم باشد بر متقرّبین بپدر وارد میشود.

ماده 939

ماده 939 ـ در تمام موارد مذکوره در این مبحث و دو مبحث قبل اگر وارث خنثی بوده و از جمله ورّاثی باشد که از ذکور آن‌ها دو برابر اناث میبرند سهم‌الارث او بطریق ذیل معیّن میشود:

اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم‌الارث یک پسر از طبقه خود و اگر علائم اناثیت غلبه داشته باشد سهم‌الارث یک دختر از طبقه خود را میبرد و اگر هیچیک از علائم غالب نباشد نصف مجموع سهم‌الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد.

مبحث چهارم ـ در میراث زوج و زوجه

ماده 940

ماده 940 ـ زوجین که زوجیت آن‌ها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث میبرند.

ماده 941

ماده 941 ـ سهم‌الارث زوج و زوجه از ترکه یکدیگر بطوری است که در مواد 913 ـ 927 و 938 ذکر شده است.

ماده 942

ماده 942 ـ در صورت تعدّد زوجات رُبع یا ثمن ترکه که تعلق بزوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم میشود.

ماده 943

ماده 943 ـ اگر شوهر زن خود را بطلاق رجعی مطلّقه کند هر یک از آن‌ها که قبل از انقضاء عدّه بمیرد دیگری از او ارث میبرد لیکن اگر فوت یکی از آن‌ها بعد از انقضاء عدّه بوده و یا طلاق بائن باشد از یکدیگر ارث نمیبرند.

ماده 944

ماده 944 ـ اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد و در ظرف یکسال از تاریخ طلاق بهمان مرض بمیرد، زوجه او ارث میبرد اگرچه طلاق بائن باشد مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد.

ماده 945

ماده 945 ـ اگر مردی در حال مرض زنی را عقد کند و در همان مرض قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمیبرد، لیکن اگر بعد از دخول یا بعد از صحّت یافتن از آن مرض بمیرد زن از او ارث میبرد.

ماده 946

ماده 946 (اصلاحی 06/11/1387) ـ زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد و زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می‌باشد.

ماده 947

ماده 947 (منسوخه 06/11/1387) ـ زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث میبرد و نه از عین آن‌ها و طریقه تقویم آنست که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم میگردد.

ماده 948

ماده 948 (اصلاحی 06/11/1387) ـ هرگاه ورثه از اداء قیمت امتناع کنند زن می‌تواند حق خود را از عین اموال استیفاء کند.

ماده 949

ماده 949 ـ در صورت نبودِ هیچ وارث دیگر بغیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفاه خود را میبرد، لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده 866 خواهد بود.

کتاب سوم ـ در مقررات مختلفه

ماده 950

ماده 950 ـ مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشباه و نظائر آن نوعاً زیاد و شایع باشد مانند حبوبات و نحو آن و قیمی مقابل آن است، معذالک تشخیص این معنی با عرف میباشد.

ماده 951

ماده 951 ـ تعدّی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت بمال یا حق دیگری.

ماده 952

ماده 952 ـ تفریط عبارت است از ترک عملی که بموجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است.

ماده 953

ماده 953 ـ تقصیر اعم است از تفریط و تعدّی.

ماده 954

ماده 954 ـ کلیه عقود جایز بموت احد طرفین منفسخ میشود و همچنین به سفه در مواردی که رشد معتبر است.

ماده 955

ماده 955 ـ مقررات این قانون در مورد کلیه اموریکه قبل از این قانون واقع شده، معتبر است.

جلد دوم ـ در اشخاص

کتاب اول ـ در کلیات

ماده 956

ماده 956 ـ اهلیّت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام میشود.

ماده 957

ماده 957 ـ حَمل از حقوق مدنی مُتِمَتّع میگردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.

ماده 958

ماده 958 ـ هر انسان مُتِمَتّع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچکس نمیتواند حقوق خود را اعمال و اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیّت قانونی داشته باشد.

ماده 959

ماده 959 ـ هیچکس نمیتواند بطور کلی حقّ تَمتّع و یا حقّ اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

ماده 960

ماده 960 ـ هیچکس نمیتواند از خود سَلب حُرّیت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حرّیت خود صرف نظر کند.

ماده 961

ماده 961 ـ جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی مُتِمَتّع خواهند بود:

1 ـ در مورد حقوقی که قانون آنرا صراحتاً منحصر باتباع ایران نموده و یا آنرا صراحتاً از اتباع خارجه سَلب کرده است.

2 ـ در مورد حقوق مربوط باحوال شخصی که قانون دولت متبوعه تبعه خارجه آنرا قبول نکرده.

3 ـ در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.

ماده 962

ماده 962 ـ تشخیص اهلیّت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذلک اگر یکنفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتیکه مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیّت نبوده و یا اهلیّت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیّت محسوب خواهد شد در صورتیکه قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیّت تشخیص داد.

حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط بحقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط بنقل و انتقال اموال غیرمنقول واقع در خارج ایران میباشد شامل نخواهد بود.

ماده 963

ماده 963 ـ اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آن‌ها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.

ماده 964

ماده 964 ـ روابط بین اَبَوین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط بمادر مسلّم باشد که در اینصورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.

ماده 965

ماده 965 ـ ولایت قانونی و نصب قیّم بر طبق قوانین دولت متبوع مُوَلّی علیه خواهد بود.

ماده 966

ماده 966 ـ تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع میباشند معذلک حمل و نقل شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمیتواند بحقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت بان تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.

ماده 967

ماده 967 ـ ترکه منقول یا غیرمنقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اَصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین ورّاث و مقدار سهم الارث آن‌ها و تشخیص قسمتی که متوفی میتوانسته است بموجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.

ماده 968

ماده 968 ـ تعهّدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدین اتباع خارجه بوده و آنرا صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

ماده 969

ماده 969 ـ اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود میباشند.

ماده 970

ماده 970 ـ مامورین سیاسی یا قنسولی دول خارجه در ایران وقتی میتوانند باجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آن‌ها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را بان‌ها داده باشد در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود.

ماده 971

ماده 971 ـ دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه باصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه میشود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.

ماده 972

ماده 972 ـ احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم الاجرا تنظیم شده در خارجه را نمیتوان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر باجرای آن‌ها صادر شده باشد.

ماده 973

ماده 973 ـ اگر قانون خارجه که باید مطابق ماده 7 جلد اول این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد بقانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلّف برعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله بقانون ایران شده باشد.

ماده 974

ماده 974 ـ مقررات ماده 7 و مواد 962 تا 974 این قانون تا حدی بموقع اجراء گذارده میشود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آنرا امضاء کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.

ماده 975

ماده 975 ـ محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا بعلّت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود بموقع اجرا گذارد اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد

کتاب دوم ـ در تابعیت

ماده 976

ماده 976 ـ اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب میشوند:

1 ـ کلیه ساکنین ایران باستثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آن‌ها مسلّم باشد، تبعیت خارجی کسانی مسلّم است که مدارک تابعیت آن‌ها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

2 ـ کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

3 ـ کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشد.

4 ـ کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده بوجود آمده اند.

5 ـ کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن بسن هیجده

سال تمام لااقل 1 سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والّا قبول شدن آن‌ها بتابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.

6 ـ هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

7 ـ هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره

تبصره ـ اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنسولی خارجه مشمول فقره 4 و 5 نخواهند بود.

ماده 977

ماده 977 (اصلاحی 27/11/1348) ـ

الف ـ هر گاه اشخاص مذکور در بند 4 ماده 976 پس از رسیدن بسن 18 سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یکسال درخواست کتبی بضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر باینکه آن‌ها را تبعه خود خواهد شناخت بوزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

ب ـ هر گاه اشخاص مذکور در بند 5 ماده 976 پس از رسیدن بسن 18 سال تمام بخواهند بتابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست کتبی بضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر باینکه آن‌ها را تبعه خود خواهد شناخت بوزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

ماده 978

ماده 978 ـ نسبت باطفالی که در ایران از اتباع دُوَلی متولد شده اند که در مملکت متبوع آن‌ها اطفال متولد از اتباع ایرانی را بموجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آن‌ها را بتبعیت ایران منوط باجازه می‌کنند معامله متقابله خواهد شد.

ماده 979

ماده 979 ـ اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند میتوانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

1 ـ بسن هیجده سال تمام رسیده باشند.

2 ـ 5 سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.

3 ـ فراری از خدمت نظامی نباشند.

4 ـ در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشند.

در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

ماده 980

ماده 980 (اصلاحی 14/08/1370) ـ کسانیکه به امور عام المنفعه ایران خدمت و یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه می‌باشند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایند در صورتیکه دولت ورود آن‌ها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند.

ماده 981

ماده 981 (منسوخه 14/08/1370) ـ اگر در ظرف مدت 5 سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هر گاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران نسبت بجرم یا مجازات مرور زمان حاصل می‌شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم بجنحه مهم یا جنایت عمومی است هیأت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد.

تبصره

تبصره ـ اتباع خارجه که بتابعیت ایران قبول می‌شوند درصورتیکه در ممالک خارجه متوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای مجازات‌های مقرره با اجازه هیئت وزراء تابعیت ایران از آن‌ها سلب خواهد شد:

الف ـ کسانیکه مرتکب عملیاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند.

ب ـ کسانیکه خدمت نظام وظیفه را بطوری که قانون ایران مقرر می‌دارد ایفاء ننمایند.

ماده 982

ماده 982 (اصلاحی 14/08/1370) ـ اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند:

1 ـ ریاست جمهوری و معاونین او.

2 ـ عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه.

3 ـ وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری.

4 ـ عضویت در مجلس شورای اسلامی.

5 ـ عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر

6 ـ استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هر گونه پست و یا مأموریت سیاسی.

7 ـ قضاوت.

8 ـ عالیترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی.

9 ـ تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی.

ماده 983

ماده 983 ـ درخواست تابعیت باید مستقیماً یا بتوسط حکّام یا ولات بوزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمّات ذیل باشد:

1 ـ سواد مصدّق اسناد هویت تقاضا کننده و عیال و اولاد او.

2 ـ تصدیقنامه نظمیه دائر بتعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت

کافی یا شغل معین برای تأمین معاش. وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه بشخص تقاضا کننده را تکمیل و آنرا بهیئت وزراء ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یا ردّ آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت بدرخواست کننده تسلیم خواهد شد

ماده 984

ماده 984 ـ زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران مینمایند تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند، ولی زن در ظرف 1 سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن بسن هیجده سال تمام می‌توانند اظهاریه کتبی بوزارت امورخارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کند لیکن باظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده 977 ضمیمه شود.

ماده 985

ماده 985 ـ تحصیل تابعیت ایرانی پدر بهیچوجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه بسن هیجده سال تمام رسیده اند مؤثر نمی‌باشد.

ماده 986

ماده 986 ـ زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی میشود می‌توانند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند، ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی‌تواند مادام که اولاد او بسن 18 سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می‌شود حق داشتن اموال غیرمنقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق باتباع خارجه داده شده باشد و هر گاه دارای اموال غیرمنقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً بارث اموال غیرمنقولی بیش از آن حدّ باو برسد باید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را بنحوی از انحاء باتباع ایران منتقل کند و الّا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت بان‌ها داده خواهد شد

ماده 987

ماده 987 (اصلاحی 14/08/1370) ـ زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاوجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود، ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره 1

تبصره 1 (اصلاحی 14/08/1370) ـ هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، بشرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره 2

تبصره 2 (اصلاحی 14/08/1370) ـ زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد ندارند. تشخیص این امر با کمیسیونی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه و کشور و اطلاعات است.

ماده 988

ماده 988 ـ اتباع ایران نمیتوانند تبعیت خود را ترک کنند مگر بشرایط ذیل:

1 ـ بسن 25 سال تمام رسیده باشند.

2 ـ هیئت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد

3 ـ قبلا تعهّد نمایند که در ظرف یکسال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیرمنقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملّک آن را باتباع خارجه بدهد بنحوی از انحاء باتباع ایرانی منتقل کنند. زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم

از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایران خارج نمیگردد مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل آن‌ها هم باشد.

4 ـ خدمت تحت‌السلاح خود را انجام داده باشند.

تبصره

تبصره الف (اصلاحی 27/11/1348) ـ

کسانیکه بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی مینمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند (3) از این ماده درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند.

چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آن‌ها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرره فوق حداکثر تا یکسال موکول به موافقت وزارت امور خارجه میباشد.

تبصره

تبصره ب (الحاقی 27/11/1348) ـ

هیئت وزیران میتواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جدّ پدری هستند و کمتر از 18 سال تمام دارند و یا بجهات دیگری محجورند اجازه دهد. فرزندان زن مذکور نیز که بسن 25 سال تمام نرسیده باشند میتوانند بتابعیت از درخواست مادر، تقاضای ترک تابعیت نمایند.

ماده 989

ماده 989 ـ هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ 1280 شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته میشود، ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن باو داده خواهد شد. بعلاوه از اشتغال بوزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هر گونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

ماده 990

ماده 990 ـ از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند بتبعیت اصلیه خود رجوع نمایند بمجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آنکه دولت تابعیت آن‌ها را صلاح نداند

ماده 991

ماده 991 (اصلاحی 14/08/1370) ـ تکالیف مربوط به اجرای قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و تقاضای بقاء بر تابعیت اصلی را دارند به موجب آئین نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید معین خواهد شد.

کتاب سوم ـ در اسناد سجل احوال

ماده 992

ماده 992 ـ سجل احوال هر کس بموجب دفاتری که برای این امر مقرر است معین میشود.

ماده 993

ماده 993 ـ امور ذیل باید در ظرف مدت و بطریقی که بموجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است بدایره سجل احوال اطلاع داده شود:

1 ـ ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود

2 ـ ازدواج اعم از دائم و منقطع

3 ـ طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت

4 ـ وفات هر شخص

ماده 994

ماده 994 ـ حکم فوت فرضی غایب که بر طبق مقررات کتاب پنجم از جلد دوم این قانون صادر میشود باید در دفتر سجل احوال ثبت شود

ماده 995

ماده 995 ـ تغییر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر بموجب حکم محکمه

ماده 996

ماده 996 ـ اگر عدم صحّت مطالبی که بدائره سجل احوال اظهار شده است در محکمه ثابت گردد یا هویت کسی که در دفتر سجل احوال بعنوان مجهول الهویه قید شده است معین شود و یا حکم فوت فرضی غایب ابطال گردد مراتب باید در دفاتر مربوطه سجل احوال قید شود

ماده 997

ماده 997 ـ هر کس باید دارای نام خانوادگی باشد اتخاذ نام‌های مخصوصی که بموجب نظامنامه اداره سجل احوال معین میشود ممنوع است

ماده 998

ماده 998 ـ هر کس که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق اتخاذ کرده باشد میتواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد.

اگر کسی نام خانوادگی خود را که در دفاتر سجل احوال ثبت کرده است مطابق مقررات مربوطه باین امر تغییر دهد هر ذی نفع میتواند در ظرف مدت و بطریقیکه در قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است اعتراض کند.

ماده 999

ماده 999 ـ سند ولادت اشخاصیکه ولادت آن‌ها در مدت قانونی بدائره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود.

ماده 1000

ماده 1000 ـ سایر مطالب راجع بسجل احوال بموجب قوانین و نظامنامه‌های مخصوصه مقرر است

ماده 1001

ماده 1001 ـ مأمورین قنسولی ایران در خارجه باید نسبت به ایرانیان مقیم حوزه ماموریت خود وظایفی را که بموجب قوانین و نظامات جاریه بعهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند.

کتاب چهارم در اقامتگاه

ماده 1002

ماده 1002 ـ اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آن‌ها خواهد بود.

ماده 1003

ماده 1003 ـ هیچکس نمیتواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد

ماده 1004

ماده 1004 ـ تغییر اقامتگاه بوسیله سکونت حقیقی در محل دیگر بعمل میاید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز بهمان محل انتقال یافته باشد.

ماده 1005

ماده 1005 ـ اقامتگاه زن شوهر دار همان اقامتگاه شوهر است معذالک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنیکه با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده میتواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.

ماده 1006

ماده 1006 ـ اقامتگاه صغیر و مَحجور همان اقامتگاه ولیّ یا قیّم آن‌ها است.

ماده 1007

ماده 1007 ـ اقامتگاه مأمورین دولتی، محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند.

ماده 1008

ماده 1008 ـ اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنهاست.

ماده 1009

ماده 1009 ـ اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت میکنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آن‌ها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آن‌ها خواهد بود.

ماده 1010

ماده 1010 ـ اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آن‌ها برای اجرای تعهُّدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه بان معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و هم چنین است در صورتیکه برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند.

کتاب پنجم ـ در غایب مفقودالاثر

ماده 1011

ماده 1011 ـ غایب مفقودالاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او بهیچوجه خبری نباشد.

ماده 1012

ماده 1012 ـ اگر غائب مفقودالاثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد محکمه برای اداره اموال او یکنفر امین معین میکند. تقاضای تعیین امین فقط از طرف مُدعی العموم و اشخاص ذینفع در این امر قبول میشود.

ماده 1013

ماده 1013 ـ محکمه میتواند از امینی که معین میکند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید.

ماده 1014

ماده 1014 ـ اگر یکی از وُرّاث غایب تضمینات کافیه بدهد محکمه نمیتواند امین دیگری معین نماید و وارث مزبور باین سمت معین خواهد شد.

ماده 1015

ماده 1015 ـ وظائف و مسئولیت‌های امینی که بموجب مواد قبل معین میگردد، همان است که برای قیّم مقرر است.

ماده 1016

ماده 1016 ـ هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقودالاثر مسلم شود اموال او بین وُرّاث موجود حین الموت تقسیم میگردد اگرچه یک یا چند نفر آن‌ها از تاریخ فوت غایب به بعد فوت کرده باشد.

ماده 1017

ماده 1017 ـ اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت ثابت گردد محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در این صورت اموال غائب بین وُرّاثی که در تاریخ مزبور موجود بوده اند، تقسیم میشود.

ماده 1018

ماده 1018 ـ مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت میگردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود.

ماده 1019

ماده 1019 ـ حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.

ماده 1020

ماده 1020 ـ موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غائب زنده فرض نمی‌شود:

1 ـ وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غائب رسیده است گذشته و در انقضاء مدت مزبور سن غائب از 75 سال گذشته باشد.

2 ـ وقتی که یکنفر بعنوانی از عناوین جزء قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هرگاه جنگ منتهی بانعقاد صلح نشده باشد مدت مزبوره 5 سال از تاریخ ختم جنگ محسوب میشود.

3 ـ وقتی که یکنفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد.

ماده 1021

ماده 1021 ـ در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضاء مدت‌های ذیل که مبدأ آن از روز حرکت کشتی

محسوب میشود کشتی به مقصد نرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصد به بندری که از آنجا حرکت کرده برنگشته و از وجود آن بهیچوجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب میشود:

الف ـ برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس یکسال.

ب ـ برای مسافرت در بحر عمان ـ اقیانوس هند ـ بحر احمر ـ بحر سفید (مدیترانه) ـ بحر سیاه و بحر آزوف دو سال.

ج ـ برای مسافرت در سایر بحار سه سال.

ماده 1022

ماده 1022 ـ اگر کسی در نتیجه واقعه‌ای بغیر آنچه در فقره 2 و 3 ماده 1020 مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده و یا در طیاره بوده و طیاره مفقود شده باشد وقتی میتوان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنجسال از تاریخ دچار شدن بخطر مرگ بگذارد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد

ماده 1023

ماده 1023 ـ در مورد مواد 1020 و 1021 و 1022 محکمه وقتی میتواند حکم موت فرضی غائب را صادر نماید که در یکی از جرائد محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار طهران اعلانی در سه دفعه متوالی هر کدام بفاصله یک ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غائب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند باطلاع محکمه برسانند. هر گاه یکسال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده میشود.

ماده 1024

ماده 1024 ـ اگر اشخاص متعدد در یک حادثه تلف شوند فرض بر این می‌شود که همه آن‌ها در آن واحد مرده اند.

مفاد این ماده مانع از اجراء مقررات مواد 873 و 874 جلد اوّل این قانون نخواهد بود.

ماده 1025

ماده 1025 ـ وُرّاث غائب مفقودالاثر می‌توانند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارائی او را به تصرف آن‌ها بدهد مشروط بر اینکه اولاً غائب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیاً دو سال تمام از آخرین خبر غائب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او معلوم باشد، در مورد این ماده رعایت ماده 1023 راجع باعلان مدت یکسال حتمی است.

ماده 1026

ماده 1026 ـ در مورد ماده قبل وُرّاث باید ضامن و یا تضمینات کافیه دیگر بدهند تا در صورت مراجعت غائب و یا در صورتیکه اشخاص ثالث حقی بر اموال او داشته باشند از عهده اموال یا حق اشخاص ثالث برآیند تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم موت فرضی غائب باقی خواهد بود.

ماده 1027

ماده 1027 ـ بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانیکه اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده اند باید آنچه را که از اعیان یا عِوَض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غائب موجود میباشد مسترد دارند.

ماده 1028

ماده 1028 ـ امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقودالاثر معین می‌شود باید نفقه زوجه دائم یا منقطعه که مدت او نگذشته و نفقه او را زوج تعهُّد کرده باشد و اولاد غائب را از دارائی غایب تأدیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن بعهده محکمه است.

ماده 1029

ماده 1029 ـ هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او می‌تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده 1023 حاکم او را طلاق می‌دهد.

ماده 1030

ماده 1030 ـ اگر شخص غائب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضاء مدت عدّه مراجعت نماید نسبت بطلاق حق رجوع دارد، ولی بعد از انقضاء مدت مزبور حق رجوع ندارد.

کتاب ششم ـ در قرابت

ماده 1031

ماده 1031 ـ قرابت بر دو قِسم است قرابت نسبی و قرابت سببی

ماده 1032

ماده 1032 ـ قرابت نسبی به ترتیب طبقات ذیل است:

طبقه اول ـ پدر و مادر و اولاد و اولادِ اولاد

طبقه دوم ـ اجداد و برادر و خواهر و اولاد آن‌ها

طبقه سوم ـ اعمام و عمات و اخوال و خالات و اولاد آنها.

در هر طبقه درجات قُرب و بُعد قرابت نسبی بعدّه نسل‌ها در آن طبقه معین میگردد مثلاً در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت با اولادِ اولاد در درجه دوم خواهد بود و هکذا در طبقه دوم قرابت برادر و خواهر و جدّ و جده در درجه اول از طبقه دوم و اولاد برادر و خواهر و جدّ پدر در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود و در طبقه سوم قرابت عمو و دائی و عمه و خاله در درجه اول از طبقه سوم و درجه اولاد آن‌ها در درجه دوم از آن طبقه است.

ماده 1033

ماده 1033 ـ هر کس در هر خط و به هر درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد در همان خط و بهمان درجه قرابت نسبی با زوج یا زوجه او خواهد داشت بنا بر این پدر و مادر زن یک مرد اقربای درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهر یک زن از اقربای سببی درجه دوم آن زن خواهند بود.

کتاب هفتم ـ در نکاح و طلاق

نسخه مستقل این واحد حقوقی از کتابخانه نقره‌وانی ـ 1405/08/09